



نشان: پاسداران، خیابان دولت، خیابان وارسته، پلاک ۴۰
مشخصات: هیئت‌های دخترانه می‌توانند محیطی جذاب برای این گروه از بچه‌ها باشند که برخی مواقع برای رفتن به هیئت با عبارت «مختص آقایان» روبه‌رو می‌شوند، اما در هیاهوی شهرهای بزرگ هیئت‌هایی مختص دختران راه‌اندازی شده‌اند که فعالیت‌های مذهبی، آموزشی و فرهنگی برای آنها دارند. هیئت باب‌السلام از جمله اینهاست که توانسته با بیش از ۵۰ سال فعالیت، ۱۲۰ دختر را زیر چتر اسلام

جمع و در قالب دورهمی‌های دوستانه علاوه بر تدریس معارف اسلامی، جلسه‌های منظم در روز ۱۵ هر ماه برگزار کند. کتابخوانی، برگزاری جشن تولد، حلقه‌های معرفتی و پرسش و پاسخ، کرسی‌های آزاداندیشی و مشاوره‌های فردی نیز در این مجموعه ارائه می‌شود. در کنار اینها، تفریح دختران نیز مدنظر قرار دارد و رفتن به بوستان بانوان و دوچرخه‌سواری در آنجا، حضور و در مراسم اعتکاف نیز از دیگر برنامه‌های اینجاست.

باب‌السلام دخترانه

ویژه‌نامه روز هفتم
۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۲
شماره یک

۳

محیا فیروزی کل قرآن کریم را در مدت ۱۰ ماه به جان سپرده

نابغه قرآنی و افتخار ایران

هنوز به سن تکلیف نرسیده و او را به عنوان خردسال ترین حافظ قرآن می‌شناسند؛ دختری که در ۵ سالگی حفظ قرآن را شروع کرد و در مدت ۱۰ ماه توانست آیات الهی را به جان بسپارد و ۲ سال قبل هم به عنوان نابغه قرآنی کشور لقب گرفت. محیا فیروزی علاوه بر پیمودن مسیر قرآنی و حفظ کلام خدا، در امور ورزشی هم پیروزی‌های زیادی را از آن خود کرده و در رشته‌های ورزشی ژیمناستیک و کاراته توانسته گوی سبقت را از دیگر همسالان خود برباید و بارها روی سکوی افتخار بایستد. محیا دستاورد زندگی خود را از برکت پناه به قرآن کریم می‌داند.

حفظ کل قرآن در ۱۰ ماه

محیا فقط ۵ سال داشت که به جامعه القرآن رفت، اما حضورش در این مرکز قرآنی با شیوع ویروس کرونا هم‌زمان شد؛ از این‌رو دیگر نتوانست حضور پررنگی در آنجا داشته باشد. این موضوع اگرچه برای محیا خوشایند نبود، اما می‌دانست که مادر را می‌تواند به هیئت‌های ورزشی ژیمناستیک و کاراته توانسته گوی سبقت را از دیگر همسالان خود برباید و بارها روی سکوی افتخار بایستد. محیا دستاورد زندگی خود را از برکت پناه به قرآن کریم می‌داند.

جزء خوانی روزانه

در دل روستای آبی سفلی شهرستان خدابنده زندگی می‌کند و شاداب است و پریها هو. چهره معصومش به دل می‌نشیند و نور قرآن را می‌توان در وجودش حس کرد. دختر خردسالی که در ۵ سالگی حافظ کل قرآن شده و شاگرد اول کلاس هم هست. قرائت قرآن جزو برنامه روزانه محیاست. معمولاً او این کار را صبح‌ها تا قبل از ظهر و رفتن به مدرسه انجام می‌دهد. مادرش هر روز قبل از اینکه به امور خانه برسد، از محیا می‌خواهد چند جزء قرآن را از حفظ بخواند. این کار اگرچه زمان‌بر است، اما مادر صبوره پای تلاوت دخترش می‌نشیند. مریم امیرلو، مادر محیا تعریف می‌کند: «معمولاً کارهای خانه را شب انجام می‌دهم تا صبح برای محیا و مهسا دخترانم وقت داشته باشم. هر روز نزدیک به ۱۰ جزء قرآن می‌خوانند و من گوش می‌کنم.» مادر که خود از رهروان راه قرآن است، قبل از اینکه بچه‌ها حافظ قرآن شوند، هر ۳ روز یکبار قرآن ختم می‌کرد. به باور او هر چه امروز دارد از دولت و برکت قرآن است. او می‌گوید: «عادت داشتم قرآن را بلند بخوانم. مهسا دختر بزرگم می‌شنید و تکرار می‌کرد. وقتی شوق او را دیدم، در جامعه القرآن شهر خدابنده ثبت نامش کردم. آن زمان ۵ سال بیشتر نداشت. برای رفتن از روستا به شهر ۲۰ دقیقه‌ای طول می‌کشید. سختی رفت‌وآمد را به جان می‌خردیم تا مهسا را به مرکز جامعه القرآن ببرم. گاه پیش می‌آمد ساعتی بدون داشتن امکانات در هوای سرد منتظر ماشین می‌ماندیم.»

مادر می‌خواند و من حفظ می‌کردم

مادر از محیا می‌خواهد برای ما آیاتی از قرآن بخواند. شیوا و رسا تلاوت می‌کند و آوایش به دل می‌نشیند. مادر که از شنیدن نوای روح‌انگیز قرآن، دلش غنج می‌رود، می‌گوید: «بیشتر مردم فکر می‌کنند کسانی که موفق می‌شوند شرایط مالی خوبی دارند، اما من با کمترین داشته‌های ممکن زندگی کردم. خیلی وقت‌ها شاید کرایه ماشین هم نداشتم. از دوست و آشنا قرض می‌گرفتم و مهسا را به شهر می‌بردم. هنگام برگشت خدا می‌دانست که پولی ندارم؛ خودش وسیله رفت‌وآمد ما را جور می‌کرد. وقتی با مهسا تمرین می‌کردم، محیا هم خوب گوش می‌داد. اشتیاق زیادی برای یاد گرفتن داشت. با خودم، گفتم برای محیا هم باید وقت بگذارم. همه زمانم را برای یادگیری بچه‌ها صرف می‌کردم.» محیا از مادرش می‌خواهد باقی ماجرا را خودش تعریف کند. با لحن کودکانه می‌گوید: «مادرم برایم از امامان معصوم (ع) حدیث می‌خواند و من حفظ می‌کردم. بعد از آن سوره‌های جزء ۳۰ را تمرین کرد. وقتی دید زود حفظ می‌کنم، مرا در جامعه القرآن شهر ثبت نام کرد.»

مدال‌های درخشان خواهران فیروزی

حافظ قرآن بودن مهسا و محیا تنها برگ موفقیت آنها نیست. این دو خواهر خدابنده‌ای در ورزش هم به پیروزی‌های رنگارنگی دست یافته‌اند. آنها در رشته‌های ورزشی رزمی بارها توانسته‌اند روی سکوی افتخار بایستند و مدال‌های طلا و نقره کسب کنند. مادر با نشان دادن مدال‌ها و لوح‌های تقدیر دخترانش می‌افزاید: «محیا مدال طلای رشته ژیمناستیک دارد. مهسا هم در رشته کاراته چندین مدال طلا گرفته است.» خبر خوش دیگری که مادر می‌دهد، شرکت کردن مهسا در آزمون مقطع کارشناسی ارشد علوم قرآنی است که به واسطه تحصیلاتی که در جامعه القرآن دیده مدرک هم‌تراز کارشناسی دارد و اگر در این آزمون موفق شود، نوجوانی ۱۵ ساله است که در کلاس درس دانشگاه حضور پیدا می‌کند. محیا و مهسا امروز نه تنها برای جامعه القرآن شهرستان خدابنده که مایه افتخار ایران هستند. مهسا در این باره بیشتر توضیح می‌دهد: «مادرم در خانه هر سه روز ختم قرآن داشت و من هم که می‌دیدم که او قرآن می‌خواند، علاقه‌مند شدم و مادرم هم متوجه استعدادم شد. بنابراین من را در کلاس‌های قرآن ثبت نام کرد. ابتدا دوره‌های اشاره، حروف عربی و روخوانی را گذراندم. در هر جلسه که باید ۲ سوره از قرآن را حفظ می‌کردیم، من ۸ سوره حفظ می‌کردم و وقتی استاد این موضوع را دید به کلاس‌های تخصصی حفظ رفتیم. از ۶ سالگی هم شروع به حفظ قرآن کردم و در کمتر از یک سال حافظ کل شدم و توانستم مدرک بین‌المللی حفظ قرآن کریم سه‌زبانه را بگیرم. معتقدم کسی که قرآن را حفظ می‌کند، زندگی‌اش برکت می‌گیرد. از وقتی که حافظ کل قرآن شدم تغییر زیادی در خودم دیدم. خیلی آرامش پیدا کردم. احساس نزدیکی زیادی به خدا پیدا می‌کنم. من هر چه دارم از برکت حفظ قرآن کریم است.»

محیا فیروزی

سن ۸ سال

محل سکونت روستای آبی سفلی شهرستان خدابنده زنجان

کم‌سن و سال‌ترین حافظ قرآن کریم در کشور که حفظ قرآن را از ۵ سالگی شروع کرده است و دارند لقب نابغه قرآنی کشور در کارنامه فعالیت قرآنی

مبینا حفظ آیات الهی را از ۳ سالگی شروع کرده است

رنگ خدا

مبینا عزیزی

سن ۸ سال

حافظ کل قرآن کریم در ۷ سالگی و نابغه قرآنی زنجان

به غنچه گلی در آستانه شکفتن می‌ماند که از ۳ سالگی به حفظ آیات الهی روی آورده و در ۷ سالگی حافظ کل قرآن شده است. مبینا عزیزی، یکی از افتخارات کشور است که ایران از داشتن چنین دختری به خود می‌بالد. مبینا مادرش را عامل موفقیت خود می‌داند؛ کسی که شبانه‌روز برایش وقت گذاشته تا او بتواند کلمه به کلمه آیات الهی را به‌خاطر بسپارد. مبینا ۸ ساله حرف‌های زیادی از راه‌های موفقیتش برای گفتن دارد.

همراهی خانواده برای حفظ قرآن

مبینا در یکی از روستاهای شهر خدابنده از شهرهای استان زنجان زندگی می‌کند. در روستای آنها برخلاف شهر امکانات چشمگیری وجود ندارد و او ناچار است برای یادگیری علوم قرآنی از روستا به شهر بیاید. مبینا می‌گوید: «مادرم برای من زحمت زیادی کشیده است. خیلی او را دوست دارم.» اینکه از کی و چگونه مبینا به حفظ قرآن رو آورد به زمان شیوع بیماری کرونا برمی‌گردد؛ روزهایی که مراوده با دیگران برای سلامتی همدیگر خطرناک بود و همه نگران ابتلا به ایزن ویروس متحوس بودند. مبینا تعریف می‌کند: «دوست داشتم قرآن حفظ کنم. مادرم نامم را در جامعه القرآن شهر نوشت، اما وقتی ویروس کرونا آمد، نمی‌توانستیم به آنجا برویم. برای همین مادرم کمک کرد تا قرآن را از طریق فضای مجازی یاد بگیرم.»

انس با قرآن

برنامه‌ریزی دقیقی که مادر مبینا انجام داده، دخترش توانسته بخشی از روز را به بازی کردن با دوستان سپری کند و ساعتی هم به حفظ آیات الهی مشغول باشد. او می‌گوید: «اسم مربی ما خانم طارمی است. خیلی مهربان است. آیات قرآن را برایم می‌خواند تا حفظ کنم. خوب یادم هست در آن دوران اگر یاد نمی‌گرفتم، این کار را بارها ادامه می‌داد.»

در خانواده عزیزی همه چیز رنگ و بوی قرآنی می‌دهد. مادر انس

با قرآن را بهترین راه برای ایمن شدن فرزندانش از دام‌های شیطان می‌داند.

در مدتی که مبینا حفظ قرآن را شروع کرد، شیوه زندگی خانوادگی آنها هم تغییر کرده و آنها تلاش کردند با برنامه‌ریزی درست مبینا را در حفظ قرآن همراهی کنند.

